

امید معماریان – واشنگتن پریرم

واشنگتن پریرم: ریشه ماجرای نا آرامی های اخیر هموطنان ترک زبان که به خاطر چاپ کاریکاتوری در روزنامه ایران به وجود آمده چیست؟ آیا چاپ یک کاریکاتور ظرفیت ایجاد چنین وضعیتی را دارد؟

این موضوع را باید در یک بستر تاریخی مورد بررسی قرار داد. در مجموع حساسیتی در آذربایجان به وجود آمده که فکر می کنند فارس زبان ها و مجامعی از آنها که در ارتباط با حکومت هستند با ابزاری مانند طنز و مطایبه نوعی تحقیر فرهنگی شخصیتی را (در مورد آذریها پیش گرفته اند).

آنها فکر می کنند که این یک سیاست است. ممکن است این تلقی درست نباشد. خود من معتقد نیستم که این یک سیاست است. با این وجود مشاهده می شود که تکرار چنین مسائلی در برخی از فیلم ها و متلک هایی که در مطبوعات دیده می شود، سبب ایجاد چنین حساسیتی شده است.

این موضوع به یک سری محرومیت های اجتماعی و اقتصادی موجود افزوده شده، که به نظر مردم آذربایجان خیلی بیش از میانگین محرومیت های مشابه در دیگر نقاط بزرگ کشور است. مثلا موضوع سرمایه گذاری در آذربایجان با توجه به وسعت این استان، کمتر از استان های دیگر است.



ما نیازمند این فرآیند اعتماد سازی هستیم و با توجه به حساسیت هایی که در این زمینه وجود دارد، هرگونه سرمایه گذاری روی این مقوله، ارزشمند خواهد بود

از سوی دیگر در میان هموطنان ترک همواره صحبت از این است که بیشتر نخبگان این مناطق به سبب نبود شانس ارتقا، از این استان مهاجرت می کنند. مجموعه این عوامل است که موجب شده بستر نوعی اعتقاد به تبعیض اقتصادی و اجتماعی، همراه با تحقیر فرهنگی را به وجود آورد.

در حالی که اگر در یک فضای عدم سوء ظن این کاریکاتور چاپ می شد، چنین واکنشی را به دنبال نداشت. نهایت عکس العمل این بود که چند نفری جوابی مناسب می دادند و این مسئله به یک انفجار اجتماعی تبدیل نمی شد. در واقع این موضوع نشانگر نوعی بی اعتمادی به سیاست های دولت مرکزی است.

واشنگتن پریرم: آیا ابراز مطالباتی که زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در مجموع سیاسی دارند، در خیابان، آن هم به صورت کور می تواند هموطنان آذری را در جهت انتقال نگرانی هایشان یاری کند؟

این به هوشیاری و توانمندی نظام در درک عمق این شکاف های اجتماعی بستگی دارد. اگر نظام سیاسی در ایران، مساله اقوام را جدی بگیرد و ریشه این نا آرامی ها را در این ببیند که "حکومتگری" به صورت وضعیت مرکزی کنونی بر مملکت وسیعی چون ایران، امکان پذیر نیست؛ این جرات را داشته باشند که تصمیمات را به مرکز استان ها منتقل و سیاست عدم تمرکز را تقویت کند، و به خصوص سرمایه گذاری در ایجاد مشاغل و شانس های متعادل را برای ارتقاء اجتماعی متناسب تر سازد؛ و امکانات را در سراسر ایران پخش کند؛ آنگاه می توان انتظار داشت چنین موضوعی بتواند مسیر مناسب خود را بیابد.

موضوعی که در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی عملاً جزو سیاست های دولت به شمار می رفت. این تحولات را می توان با تداوم برنامه ای و ساختارمندتر کردن سیاست های معطوف به همگرایی همه اقوام در چارچوب سرزمین ایران، به تدریج از یک نظام تمرکزگرا به سوی نظامی سوق داد که در آن سیاست ها به صورت منطقه ای تدوین شود.

بدین ترتیب بسیاری از تنش هایی که ناشی از گسست های اجتماعی است، تخفیف پیدا خواهد کرد. ولی اگر نظام این هوشیاری را نداشته باشد و فکر کند که این مسائل یک سری توطئه خارجی است و اینها اقلیت هستند که چنین مطالباتی دارند، و یا به ناآرامی ها دامن بزند و با روش های سخت افزاری و امنیتی با موضوع برخورد کند، حتی اگر بتواند در کوتاه مدت به خاموش کردن چنین صداهایی اقدام کند، در دراز مدت با توجه به واقعی بودن این مطالبات، این صداها فرصت های دیگری پیدا خواهند کرد و در ابعاد وسیع تری منعکس خواهند شد.

البته این زمینه اقتصادی و اداری قضیه است. در زمینه فرهنگی، واضح است که همه اقوام ایرانی توقع دارند که از همان احترامی برخوردار باشند، که دیگران هستند. لازم نیست که این تبعیض واقعیت داشته باشد، بلکه موضوع این است که این اقوام قانع شوند که چنین تبعیضی وجود ندارد.

این قانع شدن، از طریق سیاست گذاری فرهنگی مناسب امکان پذیر خواهد بود. این سیاست گذاری می تواند با نهادینه شدن در سازمانهای مختلف ایجاد شود و این اعتماد را در مردم سراسر ایران به وجود آورد که دولت مرکزی از لحاظ فرهنگی و احترام به حقوق شهروندی در مورد تمام ایرانیان دیدی یکسان دارد. ما نیازمند این فرآیند اعتماد سازی هستیم و با توجه به حساسیت هایی که در این زمینه وجود دارد، هرگونه سرمایه گذاری روی این مقوله، ارزشمند خواهد بود.

واشنگتن پریم: در حال حاضر دوتن از روزنامه نگاران کشور در زندان به سر می برند و به رغم عذر خواهی از هموطنان ترک زبان روزهای بدی را سپری می کنند. درحالی که با توجه به ذات فعالیت های مطبوعاتی، اشتباه و یا سهل انگاری، گریزناپذیر است. به علاوه، همه می دانیم که این روزنامه نگاران در حقیقت قصد بی احترامی نداشته اند. این موضوع را چگونه می بینید؟

به نظر من وظیفه روشنفکران آذری است که برای مردم روشن کنند که مطبوعات نباید قربانی شوند. مردم باید بدانند که این حساسیت اضافی به خاطر سیاست های اشتباهی است که کارگزاران نظام نسبت به موضوع قومیت ها اعمال می کنند و مطبوعات مقصر نیستند.

این ساده ترین راه است که یک قضیه را پلیسی کرد و آن را به یک توطئه گسترده نسبت داد. خیلی از مسئولین علاقه دارند که با سرپوش گذاشتن به جنبه های واقعی ماجرا، آن را تنها به یک کاریکاتور ربط بدهند. اما آشکار است که این یک بهانه است. به نظرم روشنفکران آذربایجانی باید

اقدام کنند و تسلیم احساسات مردم نشوند و با بیانیه هایی این موضوع را نشان دهند و دقیقاً بگویند خواستشان چیست و خشم خودشان را متوجه افراد و روزنامه نگارانی نکنند که نهایتاً یک اشتباه یا سوء تفاهم مرتکب شده اند.

به نظر شما چه سیاست هایی را می توان مورد توجه قرار داد که چنین رخدادهایی تکرار نشود؟

فکر می کنم دولت باید متوجه شود که کشورداری و کنترل آن در آستانه قرن بیست و یکم، فقط با استفاده از اقتدار سازمان های امنیتی و نظامی امکان پذیر نیست. این کشور احتیاج به رشد و پیشرفت دارد. احتیاج به این دارد که در آرامش و امنیت در دراز مدت بتواند توسعه خود را تداوم بخشد.

در کشوری به وسعت ایران، امکان ندارد که تمامی این امور از کلان شهری مثل تهران هدایت شود. باید به تدریج این سوء ظن را از بین برد که اگر کارها را به استان ها منتقل کنیم، سر نخ مملکت داری از دست حکومت مرکزی خارج می شود. کما اینکه کارشناسان بسیاری این موضوع را برای حفظ هویت ملی و تعلق سرزمینی ضروری می دانند. اندیشمندان باید بقیه را قانع کنند که در همه جای دنیا کار به همین منوال پیش می رود و در کشوری مثل ایران اگر این امکانات تقسیم نشود، هیچ راهی وجود ندارد که جمعیت تهران ۱۴ میلیونی به زودی به ۲۰ میلیون نفر نرسد. چرا که هر کس نتواند در استان ها کاری پیدا کند، چمدان خود را می بندد و راهی تهران می شود.

مضاف به اینکه با عدم تقسیم موقعیت ها، یک کلان شهر، و استان های خراب و ضعیف خواهیم داشت که امکان رشد متناسب و همگون با مرکز را ندارند. علاوه بر آن مساله امنیت ملی و شکاف بین فقیر و غنی، بین زن و مرد، و اقوام مختلف، شکاف های خطرناکی است که در هر بحران اجتماعی ممکن است به واقعه ای بدل شود که مشکلات فراوانی به دنبال بیاورد.

در صورتی که با یک برنامه ریزی ساختارمند، می توان کمک کرد این شکاف های ساختاری اندک اندک سمت و سوی ترمیم به خود بگیرد و از ناامنی های غیرقابل پیش بینی و قابل پیش بینی جلوگیری شود. در حال حاضر، دولت فعلی چنین سیاستی را دنبال نمی کند.

واشنگتن پریم: اگر قرار باشد به عنوان یک هموطن آذری به دولت توصیه ای بکنید، چه خواهید گفت؟

من نمی توانم به دولت آقای احمدی نژاد توصیه زیادی بکنم. چرا که اینها از پشت عینک دیگری به این مسائل نگاه می کنند. ولی طبعاً نظرم همین توصیه هایی است که کردم. اما دولت احمدی نژاد به کشورداری مانند (اداره) یک پادگان نظامی نگاه می کند. به همین جهت است که مثلاً می بینیم که در صدد تهیه پوشش یکسان (یونیفرم) برای مردم هستند.

این بحث ها با صحبت هایی که کردم تطابق چندانی ندارد. در نهایت، به نظر من ایران باید در یک برنامه چند ساله به سمت عدم تمرکز پیش برود، بودجه ها باید متعادل تقسیم شود، اختیار صرف و خرج آنها به استان ها واگذار گردد، و امکان برنامه ریزی های پروژه ای و ایجاد مشاغل نیز به استان ها منتقل شود. موضوعی که به توسعه و رشد متوازن کشور در دراز مدت کمک خواهد کرد و ثبات اجتماعی به ارمغان خواهد آورد.